

تاریخ حسن، مأخذ مهم ادبیات فارسی کشمیر

علیم اشرف خان*

ایران صغیر و جنت نظیر یعنی کشمیر از زمان قدیم منطقه‌ای بوده است که افرادی مثل امیر سید علی همدانی و عرفای نامی ایران در آن رفت و آمد داشته بودند، شعرا، عرفا، دولتمردان قرون میانه حتی پادشاهان تیموری هند کشمیر را بیشتر توصیف کرده‌اند بنا به روابط نزدیکی، کشمیر را به‌عنوان «ایران صغیر» و «جنت نظیر» هم یاد کرده‌اند. شاعر نامدار ایران حافظ شیرازی هیچ‌موقع کشمیر نیامده است ولی برای کشمیریان سروده بود که عاشق چشم‌های سیاه بوده است:

به‌شعر حافظ شیراز می‌نازند و می‌رقصند سیه‌چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

قدیمی‌ترین تاریخ کشمیر راج‌ترنگنی تألیف کلهن به‌زبان سانسکریت است و وقایع سال‌های ۵۰-۱۱۴۹ میلادی را دربردارد. بعد از این حدوداً دویست سال بعد در عهد سلطان زین‌العابدین مورخی به‌نام «یون‌راج» تاریخ کشمیر را نوشت و نام تاریخ خود را عیناً راج‌ترنگنی گذاشت. یون‌راج عالم سانسکریت بوده او به‌دربار زین‌العابدین متعلق بود، ولی این کتاب را به‌فرمایش «شری بت» نگران محکمه عدل نوشته بود در این تاریخ وقایع سال‌های ۱۱۴۵ تا ۱۴۵۹ میلادی موجود است. این کتاب مأخذ مهم تاریخ کشمیر است که از سال ۱۱۵۰ م تا تخت‌نشینی شاهمیر را دربردارد و مشمولات کتاب وقایع سیاسی و فرهنگی آن زمان است که مختصر ولی مورد استفاده است.

از کتابهای تاریخ کشمیر که به‌زبان فارسی تحریر یافته است، تاریخ حسن اهمیت فراوانی دارد. این تاریخ با کمک تاریخ‌های سانسکریت کشمیر و مأخذهای دیگر

* استادیار بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

به تحریر درآمده است البته بدون شک راج‌ترنگنی کلهن یکی از مآخذ اساسی تاریخ کشمیر است. تاریخ حسن مشتمل بر چهار جلد است. جلد اوّل درباره جغرافیای کشمیر، جلد دوّم متعلق به تاریخ سیاسی (از عهد قدیم تا ۱۸۸۵ م) جلد سوّم متعلق به احوال صوفیای کشمیر و آخرین جلد متعلق به شعرا، ادبا و خطاطان است که در عهد تیموریان در کشمیر بوده‌اند. این تاریخ از مؤسسه «تحقیق و اشاعت، دولت جامو و کشمیر، سرینگر» بین سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۰ میلادی به زبان فارسی نگاشته شد. مؤلف تاریخ حسن پیر غلام حسن کهویهامی است.

یک مقاله مفصل متعلق به تاریخ حسن در مجله شماره ۲، Journal of the Pakistan Historical Society هم نوشته شده است که این کتاب را آنجا معرفی نموده‌اند.

مؤلف تاریخ حسن درباره خود در این تاریخ نوشته است: «حسن ابن عبدالرسول شیوا، ساکن الاصل ضلع زونی، شهر سرینگر، کشمیر». از این اطلاع معلوم می‌شود که وی شاعر هم بوده و «شیوا» تخلص می‌کرد. وی در مقدمه تاریخ یادآور شده است که وقتی او تاریخ حسن را می‌نوشت حدوداً ۳۰ تاریخ مهم کشمیر پیش او بوده و او اطلاعات مهم را از آنها مختصراً در تاریخ خود گنجانیده است.

وی فهرست کتب مآخذ و منابع را چنین متذکر شده است:

۱. تاریخ وقایع کشمیر از ملّا احمد.
۲. واقعات کشمیر از خواجه اعظم (متوفی: ۱۱۷۹ هـ) (همین کتاب را منشی اشرف علی استاد کالج دهلی در سال ۱۸۴۶ م به زبان اردو برگردانده بود) دو نسخه خطی واقعات کشمیر در گنجینه کتابخانه رضا رامپور که در سال‌های ۱۸۱۴ و ۱۸۴۷ میلادی کتابت شده، نگهداری می‌شود و یک نسخه خطی آن در گنجینه عبدالسبحان در دانشگاه اسلامی علیگره محفوظ است. در گنجینه موزه بریتانیا نسخه‌های بهارستان شاهی به شماره Add.16,706 (ج ۱، ص 296 b) و واقعات کشمیر Or.1632 (ج ۳، ص 956 a) مضبوط است نیز نسخه دیگر از آن در کتابخانه دیوان هند به شماره ۵۰۷ هم مضبوط است.
۳. نظام‌الوقایع از مولوی محمد.

عهد زرین برای شعرا در کشمیر
عهد حسین شاه چک بوده است
که او خودش در سخن گسترگی
مقام اعلی داشته و مرئی و
قدردان سخنوران، ادبا و شعرا
بوده است.

۴. تاریخ شاهنامه از محمد توفیق.
 ۵. تحقیقات امیری از امیرالدین پکلیوال.
 ۶. لب التواریخ از مولوی بهاولالدین.
 ۷. باغ سلیمان از میر سعدالله.
 ۸. مختصر التواریخ از ملا عبدالنبی.
 ۹. تاریخ هادی از محمد حیات.
 ۱۰. پنج مثنوی در توصیف کشمیر از سلیم، کلیم، خصالی، میر الهی و احسن.
 ۱۱. دواثر از کرپا رام (متوفی: ۱۸۷۶ هـ) به نام گلزار کشمیر و گلاب نامه (این گلاب نامه را دیوان کرپا رام به فرمایش مهاراجه رنبیر سنگه (متوفی: ۱۸۸۴ م) به طرز تقلید از اکبرنامه نگاشته است. (ولی مؤلف در تقلید ابوالفضل موفق نشده است و در تواریخ معتبره به شمار نمی آید).
 ۱۲. منتخب التواریخ از نراین کول (به فرمایش عارف خان که نایب و دیوان صوبه کشمیر بوده نوشته شد و نسخه آن در کتابخانه موزه پاریس و در گنجینه عبدالسبحان، دانشگاه اسلامی، علیگره مضبوط است).
 ۱۳. مجموعه التواریخ از بیربل کاجرو.
 ۱۴. *Valley of Kashmir* از لارنس (در سال ۱۸۹۵ م شائع شده بود).
 ۱۵. *The Northern Barrier of India* از فریدرک دریو (این هم به اهتمام ایدورد استینفورد، در سال ۱۸۷۷ م از لندن چاپ شده است).
 ۱۶. تاریخ فرشته از قاسم هندو شاه فرشته علاوه بر این کتابها، او چندین مأخذ را هم ذکر نموده است که عبارتند از: ناسخ التواریخ، تاریخ رشیدی، واقعات درانی، قصص الهند، واقعات هند، گلدسته کشمیر، جام جهان نما، رنجیت نامه، خرد افروز و مفتاح الارض و غیره.
- حسن در مقدمه تذکر داده است که در این کتابهای مذکوره بالا آنچه در همه مشترک بوده آنها را به رشته تحریر درآورده بود، نیز از قصه های آن کتاب اجتناب ورزیده است. مؤلف کتاب را در چهار قسمت (تعداد جلد) یا یک مقدمه آماده کرده است.

در مقدمه تاریخ حسن آقای دکتر علی کهویهای چند نکته مهم را اشاره کرده است و درباره هر چهار جلد معرفی کوتاهی بدین عنوان رقم کرده است:

۱. حصه اول (یعنی جلد اول): درباره جغرافیای کشمیر با احوال کمیت و کیفیت آن.
۲. حصه دوم (یعنی جلد دوم): درباره سلاطین و راجاهای کشمیر.
۳. حصه سوم (یعنی جلد سوم): درباره فضایل تقوی شعار و اولیا و بزرگان کشمیر.
۴. حصه چهارم (یعنی جلد چهارم): درباره شعرای بلیغ کشمیر.

مؤلف تاریخ حسن خصایص عمده تاریخ خود را چنین متذکر شده است:

۱. بنا به علت وقت مؤلف حتی الوسع با واژه‌های ثقیل، عبارت مقفی و مسجع اجتناب ورزیده و سعی کرده است که عبارات سهل و برای همه مفهوم بنویسد.
۲. بعضی اطلاعات که متقدمین ما برای چندین راجه‌ها به قلم سپرده‌اند ولی بیشتر در ردیف مبالغه و اغراق به نظر می‌آید. این چنین اطلاعات را مؤلف هم سپرد قلم کرده است ولی جایی که مبالغه و اغراق بیشتر است آنجا یک واژه در پرانتز [قف] نگاشته است که قاری بفهمد که این اطلاع جزو مبالغه و اغراق است.

۳. تاریخ حسن در سال ۱۳۰۱ هجری به پایه تکمیل رسید و تاریخ آن «حزینة خیال» است که از او ۱۳۰۱ هجری برمی‌آید و از لحاظ تقویم میلادی سال ۱۸۸۴ م و از لحاظ تاریخ سلاطین کشمیر سال بکر می ۱۹۴۱ م معادل است.

۴. مؤلف ادعا می‌کند که اکثر مورخین کشمیر بنا به عصیبت و تفاخر دُچار خودستایی شده‌اند و از اصل منحرف گشته‌اند ولی او سعی کرده است که تاریخش این چنین ایراد نداشته باشد.

۵. تاریخ سانسکریت کشمیر که تألیف پاندیت کلهن به نام رازه‌ترنگنی معروف است وقتی این کتاب سانسکریت به فارسی ترجمه شد اکثراً مترجمین بنا به جهل دُچار تصحیف و تحریف شده‌اند ولی مؤلف تاریخ حسن این کتاب را با اصل نسخه مقایسه کرده و اشتباهات که در آن ترجمه رخ داده بود آنها را با اصلاح برطرف کرده و اطلاعاتی که برای هیچ‌کس مفید نبوده است آنها را حذف کرده است [ولی اینجا به مؤلف می‌توان ایراد گرفت که او اطلاعات را

حتماً باید می‌نوشت ولی تذکر می‌داد که کجا و چطور این اشتباه به‌وقوع پیوسته بود].

۶. اطلاعاتی که پاندیت کلهن بنا به‌عدم وثوق دربارهٔ احوال راجگان ترک کرده بود من مؤلف آنها را با کمک از رساله رتن‌پوران اخذ نمودم و ذکر کرده‌ام.

۷. متقدمین و مؤرخان قدیم ما دربارهٔ سنین زیاد توجه نکرده بودند ولی بنده با تمام دقت و عرق‌ریزی هر سه سن یعنی هجری، میلادی و بکر می‌را با تطبیق و توجه خاصی در تاریخ خود گنجانیده‌ام.

پیر غلام حسن در باب چهارم تاریخ حسن شعرا را ذکر نموده است و دربارهٔ این باب در شعر صراحت کرده، نوشته است:

ختم کردی چو حصه فقرا تازه کن باز قصه شعرا
حصه چهارمین به‌صد تعجیل کن به‌تند کار شاعران تکمیل

مؤلف یادآور شده است که تا سال ۷۲۵ هجری در خطهٔ کشمیر هندوان سکونت داشتند که از زمان قدیم برای نگاشتن، زبان سانسکریت را به‌کار می‌بردند ولی بعد از ورود مسلمانان در کشمیر زبان فارسی و عربی رواج پیدا کرد و بالخصوص در عهد سلطان زین‌العابدین سخنوران چون سید محمد منطقی، ملا احمد کشمیری، ملا ندیمی، ملا فصیحی، ملا جمیل، ملا احمد رومی، ملا محمد رومی، ملا نورالدین، ملا علی شیرازی، ملا نادری و مولانا حسین غزنوی به‌منصبه شهود رسیدند. پس از صد سال در عهد سلطان زین‌العابدین وقتی در کشمیر طوایف‌الملوکی بوده هیچ‌عالم یا سخنور بزرگ در این عهد به‌شمار نمی‌آید.

عهد زرین برای شعرا در کشمیر عهد حسین شاه چک بوده است که او خودش در سخن گستری مقام اعلی داشته و مربی و قدردان سخنوران، ادبا و شعرا بوده است. در عهد حسین شاه چک شعرای کشمیر خدمات شایانی انجام داده‌اند که تا به‌حال جزو تاریخ آن دیار به‌حساب می‌آید.

بنا به‌گفتهٔ پیر غلام حسین درین باب ذکر بعضی از شعرای معروف و افراد با کمال است که در دیار کشمیر به‌سربرده بودند.

اولین شاعر که درین باب آمده است به نام میر علی است که در عهد حسین شاه چک به کشمیر آمده بود و کشمیر را بیشتر وصف نموده نیز وی رساله‌ای هم نگاشته و در فنّ خطاطی هم مهارت داشته او نزد باغ علیمردان محلّه‌ای است به نام «بوته کدل» همانجا زندگی کرده و مسجدی را هم بنا کرده بود که تا عهد مؤلف هم پا بر جا بوده است نیز این شاعر میر علی همانجا مدفون است.

در عهد حسین شاه چک شاعر دیگر به نام ملّا نامی ثانی هم بوده که با حسین شاه چک در شعر پاسخ و پرسش کرده بود. وقتی به مناسبت عهد حسین شاه چک او را خلعت بخشید وی اسپ هم درخواست کرده بود و مصرعی را سروده بود:

در آن زمان در کشمیر
خطاطان معروف زندگی
می‌کردند و فنّ خطاطی
در کشمیر رونق و رواج
بیشتر داشته.

خلعت شاهی مرا اسپ رسد با زین رسد

پاسخ این مصرعه را حسین شاه چک چنین سروده بود:

این چنین کم‌فهم را نی آن رسد نی این رسد

از این مکالمه معلوم می‌گردد که خود حسین شاه چک شعرگو، شعرفهم بود. نیز این اطلاع هم جالب است که مابین شاه و شعرا در آن زمان گفتگو و پرسش و پاسخ وجود داشته بود.

شاعری به نام محمد امین مستغنی که شرف مصاحبت با حسین شاه چک را داشته، رباعی‌یی را سروده است که در آن زمان کشمیر چگونه بوده است. وی می‌سراید:

دوشینه به چشم دل نهان از مردم دیدم نه بهشت بلکه کشمیر دوم
خاکی ز عبیر و مشک آگنده خمیر آبی ز صفا وجود خود یافته گم

شاعر دیگر به نام مظهری کشمیری بوده که مقام اعلی و ارفع در فنّ شعر داشته وی بیشتر ایران و هند را سیاحت کرده بود و با شعرای معاصر خود صحبت‌ها داشته وی با محتشم کاشی هم ملاقات کرده و در عهد پادشاه تیموری جهانگیر شاه به عهده میر بحری فایز بوده. حسن ابیات او را ذکر نموده است:

اقبال حُسن کار ترا پیش می‌برد ورنه صلاح کار ندانسته‌ای که چیست
حتی وی قصیده‌ای هم سروده بود که خاقانی از او تقلید نموده بود.
مظهری سروده بود:

کو خلوتی که عزلت عنقا برآورم تا بام آسمان در دنیا برآورم
خاقانی قصیده معروف دارد:

هر صبح سر ز گلشن سودا برآورم

مظهری درباره زیست عقیده داشته:

در عشق به‌آه و ناله می‌باید زیست دل کرده به‌غم حواله می‌باید زیست
آماده کفن فگنده در گردن جان کم مهلت تر ز لاله می‌باید زیست

دیوانش دارای شش هزار بیت است. وی در سال ۱۰۲۶ هجری چشم از جهان
فانی بریست و مرقدش در «مله کواه» وجود دارد. (ص ۶)
خطاط معروف به‌نام میر حسن بوده که می‌گویند استاد میر حسن در نستعلیق
میر علی بوده، وی در نستعلیق طوری مهارت داشته که کتابهایی که او کتابت می‌کرد در
ایران مورد پسند بوده است. شاگرد نامی او «محمد مراد زرین قلم» بوده.
این اطلاع مهم است که در آن زمان در کشمیر خطاطان معروف زندگی می‌کردند و
فن خطاطی در کشمیر رونق و رواج بیشتر داشته. (ص ۷)
حاجی محمد جان قدسی ملک‌الشعرای دربار شاهجهانی از مشهد به‌هند آمده و در
دربار شاهجهان مشغول گشت او «ظفرنامه شاهجهانی» را به‌نظم کشیده. وی کشمیر را
در مثنوی توصیف نموده است:

بود قطع ره کشمیر مشکل	به‌حق نتوان رسید از راه باطل
مگر باریک‌تر زین ره دگر نیست	که گویی کوه را موی کمر نیست
ز بیم این ره باریک و خونخوار	خلد موی کمر در دیده خار
مسافر کی تواند زین بلا جست	مگر لغزیدن پا گیردش دست
رهی همچون دم شمشیر باریک	جهان در چشم ره پیمایش تاریک
رهی پیچیده تر از موی زنگی	به‌تندی چون دم تیغ فرنگی
ز بس در رفتنش تدبیر کرده	فلک را فکر این ره پیر کرده
ازین پیمان‌های زندگی آه!	که پُر می‌گردد از پیمودن راه

دربارهٔ قدسی این بیان هم مورد اهمیت است که روزی وی پیش ملای مکتب غزلی سرود و به این بیت رسید:

ساقی به صبحی قدری پیشتر از صبح برخیز که تا صبح شدن تاب نداریم
 یک طفل مکتب ایستاد و به ملاً گفت اگر به جای «قدری» شما «نفسی» را به کار برید
 این به مناسبت صبح بیشتر موزون می‌شود. حاجی جان قدسی از این اصلاح محظوظ شد.
 این واقعه نشان می‌دهد که در آن روزگار در کشمیر حتی طفل مکتب هم در شعر
 این قدر استعداد داشتند که به ابیات حاجی جان قدسی ایراد گرفته بود پس این نشان
 می‌دهد که چقدر محافل و مجالس علمی و ادبی در سراسر کشمیر برگزار می‌بود.
 در آخر عمر قدسی بنا به مرگ پسر محمد باقر خیلی تحت تأثیر گرفته و در کشمیر آمد
 و همینجا فوت کرد و نزد «پل درگجن» جایی به نام «مزار شعرا» مدفون گشت.
 (ص ۱۰، ۱۱، ۱۲)

شاعر معروف طغرای مشهدی که در خیال‌بندی و انشاپردازی شهیر بوده، مثنوی را
 سروده است که در آنجا مصائب سفر کشمیر را ذکر نموده است و این مثنوی مهم
 است.

رقعاتی که طغرا نگاشته است به این معنی مهم است که در این رقعات توصیف
 باغات، توصیف میوه‌ها، گل‌ها و بوته‌های کشمیر در آن آمده است طغرا دربارهٔ
 درخت‌های کشمیر گفته بود:

درخت آبی از بی‌آبی رویی بهی ندیده

و در توصیف ناشپاتی (نوعی گلابی) سروده بود:

کنم تحریر وصف ناشپاتی نماید صفحه کاغذ نباتی

در آخر عمر به خواهش میرزا ابوالقاسم دیوان معروف به قاضی‌زاده در کشمیر
 رسیده و در یکی از مغازه‌های محله «ناید یار» به سر می‌برد. وقتی او وفات یافت در
 محله «درگجن» در مزارات شعرا مدفون گشت. (ص ۱۲)

در عهد شاهجهان شاعری به نام محمد قلی سلیم از ایران به هند مهاجرت نموده و
 در دربار وزیر اعظم به نام نواب اسلام منسلک شد. او هم در ابیات خود کشمیر را
 ذکر نموده است به طور مثال:

به‌عیش آباد هندوستان غم پیری نمی‌باشد که مو نتواند از شرم کمرها شد سفید آنجا
یا سروده بود:

کمتر نیم از قیصر و فغفور که من هم در هند سیه‌بختی خود شاه سلیم

شاعر دیگر به‌نام مظهری کشمیری بوده که مقام اعلی و ارفع در فن شعر داشته وی بیشتر ایران و هند را سیاحت کرده بود و با شعرای معاصر خود صحبت‌ها داشته وی با محتشم کاشی هم ملاقات کرده و در عهد پادشاه تیموری جهانگیر شاه به‌عهده میر بحری فایز بوده.

محمد قلی سلیم یک مثنوی به‌عنوان «قضا و قدر» و دیگر در توصیف کشمیر سروده بود که هر دو در بین مردم زبانزد است. وی در آخر عمر به‌فرمایش دوستان خود به‌کشمیر آمد و همینجا فوت کرد و در «مزار شعرا» مدفون است. شاعری از همدان بود به‌نام میرزا طالبای کلیم که از ایران به‌هند آمده، چند مدت در دکن سکونت کرد و بعداً

به‌دربار شاهجهان پیوست و پادشاه شاهجهان او را به‌حیث ملک‌الشعرا دربار گزیده بود در آخر عمر او در کشمیر آمده و «شاهنامه شاهان چغتاییه» را به‌نظم کشیده بود که کار بزرگی بوده است.

میرزا طالب کلیم «فیل جنگ شاهجهانی» را هم نظم کرده و نیز مثنوی سرانیده به‌عنوان «مثنوی بی‌نظیر» که درباره‌ی احوال هندوستان بالعموم و درباره‌ی کشمیر بالخصوص مورد استفاده است. او در سال ۱۰۶۱ هجری درگذشت و در «مزار شعرا» مدفون گردید.

ملاً طاهر غنی تاریخ وفات را چنین سروده است:

گفت تاریخ وفات او غنی طور معنی بود روشن از کلیم

قطعه‌ای از میرزا طالب در این کتاب چنین ثبت است:

میان غمگساران سوزم از غم چو آن کشتی که در دریا بسوزد

*

مفلسان را کس نمی‌خواهد ز مینا کن قیاس

تا تهی شد دیگرش کس دست در گردن نکرد

(ص ۱۴، ۱۵)

میر الهی مصاحب خاص و ندیم پادشاه جهانگیر بود، وی از سادات ایران است وقتی در عهد شاهجهان پادشاه صوبه‌داری کشمیر به ظفر خان احسن مفوض گشت آن موقع ظفر خان او را با خود به کشمیر بُرد. وی شاعر چیره‌دست بوده او تخلص را به‌نحو احسن در مقطع به‌کار برده است:

یا الهی ز الهی تو چه پرسی در حشر آنچه او کرد تو دیدی و چه گفتن دارد

میر الهی تذکرة الشعرا را به‌نحو احسن نظم کرده است. (ص ۱۵، ۱۶)

دربارهٔ ملّا فهمی آمده است که وی معاصر فصیحی و ندیمی بود. نیز زیرک و با فهم بود و از اشعار ایشان است:

فکر سر زلف تو مرا بی‌سر و پا کرد اندیشهٔ پا بوس توام پشت دو تا کرد

گفتم که به‌وصل تو رسم گر بودم عمر نی وصل میسر شد و نی عمر وفا کرد

این شکوهٔ روزگار شاعر اندیشمند بوده است. (ص ۱۷، ۱۸)

فطرتی شاگرد ملّا ذهنی و حریف فصیحی و ندیم بود وقتی میرزا فطرت به کشمیر رسید و ابیات فطرتی را گوش کرد، تذکر داد که اگر برای من قبلاً مشخص می‌بود که کسی فطرتی است من ابدأ تخلص خود را فطرت نمی‌گذاشتم، ازوست:

از باغ و گل هوای دماغم فرونشست پای هوس به‌کنج فراغم فرونشست

پرتو فکند عشق فروغ خرد نماند سر بر زد آفتاب و چراغم فرونشست

(ص ۱۸)

بدیعی از اعیان کشمیر بوده، او علاوه از شاعری مؤرخ هم بوده و تاریخ او به‌نام تاریخ بدیعی معروف است در عهد شاهجهان پادشاه نکته‌سنج و سخندان بود از اشعار اوست:

کم ده شراب وصل که پر شد ایاغ ما روغن چنان مریز که میرد چراغ ما

(ص ۱۸، ۱۹)

محمد مراد زرین قلم خطاط بوده و در نستعلیق مهارت داشته با میر حسین بن میر علی اصلاح هم گرفته بود، در عهد خود یگانه و در خط شلغمی ید طولی داشت. وقتی شاهجهان پادشاه از کمالات خطاطی وی آشنا شد او را در دربار دعوت کرد و خطاب زرین قلم به‌او داد و برای کتیبه‌نویس دربار خود انتخاب نمود. محمد مراد در باغات شاهی و عمارات آن دورهٔ کتیبه‌ها را یادگار گذاشته است. (ص ۱۹)

ملاً محمد طاهر غنی

از شاگردان ملاً محسن فانی و از قبیله اشائی متعلق است. شعر او بهترین نمونه از نازک خیالی دارد. دیوانش را میرزا محمد علی متخلص به ماهر جمع نموده است. ملاً محمد طاهر غنی نازک خیالی خود را در بیتی به کار برده است، می سراید:

برنداریم ز اشعار کسی مضمون را طبع نازک سخن کس نتواند برداشت
دو بیت غنی طوری آمده است:

یاران بردند شعر ما را افسوس که نام ما نبردند

*

نگردد شعر من مشهور تا جان در بدن دارم که بعد از مرگ آهو نافه بیرون می دهد بو را
(ص ۱۹)

محمد رفیع منشی

از کشمیر بود و در نظم و نثرنویسی شهرت داشت. برای کسب معاش فنّ انشا را انتخاب نموده بود و عمرش را در حضورنویسی حاکمان آن دیار خرج داد. وقتی شاعری متخلص به تسلی برای مردم کشمیر هجو را در بحر طویل رقم کرده بود، وقتی این هجو در محضر ناظم صوبه و سر دیوان سیف خان رسید او فوری رئیس شهر خواجه عنایت الله را صدا کرد و رئیس شهر به محمد رفیع امر داد که منشی شما پاسخ آن هجو را بسرایید و در محفل سیف خان آن را به آواز بلند بخوانید و بنا بر همین پاسخ تسلی را از شهر خارج کردند. بحری که در هجو به کار برده شد این قدر طولانی است که دو بیت آن هجو در چندین سطر جا می گیرد. منشی پاسخ هجو را چنین سروده بود:

مصراع اولی: لعنت الله بر آن تسلی کم اصل و تبه کار و گنهگار که خود را به زبان دو سه
لک آدم موزون و سخندان و سخن سنج همه آراسته از فضل و هنر داد که گر پای به هجوش
بفشارند به فریاد بیارند جهان را

مصراع ثانی: لیک حیف است که اوقات چنین مردم پاکیزه و دانا و نکو رای و خداترس و
حق اندیش که جز ذکر خدا فکر ندارند شود صرف بسازند تر از خون سگی تیغ زبان را

اینجا باید یادآور شد که در قرن هجدهم و نوزدهم وقتی ادبیات فارسی کم کم مرتبه و مقام شایانی را از دست داده بود ولی در کشمیر آب و تاب آن در آن زمان هم به اثبات می‌رساند که فارسی در آن خطه بیشتر مقبول بوده است. (ص ۲۳، ۲۴، ۲۵)

شایق به فرمایش راجه سُکھِ چیون
در سه مجلد درباره سادات کشمیر،
ریشیان کشمیر و سلطان‌العارفین و
یارانش حدوداً شصت هزار بیت
ترتیب داده بود. ولی حیف که هر
سه جلد ناقص ماند.

میرزا داراب جويا

میرزا داراب پسر ملّا سامری بود که در سخنوری تتبع میرزا صائب را ادامه داد، وی با محمد سعید اشرف و ملّا علی‌رضا تجلی در رکاب ابراهیم خان به کشمیر آمد. او شاعر صاحب دیوان است از اشعار اوست:

بدو عالم ندهم ذرّه خاکِ در او عالم و هرچه درو هست به‌گردِ سردِ او
هرکه شد تاج سرش خاک در قنبر او بر فلک ناز کشد بلکه به‌بالا تر او
بعد قنبر ز غلامان علی^(ع) نتوانست کس نیارد دگری بود چو او همسر او
میرزا داراب در سال ۱۱۱۸ هجری فوت شد، ولی به‌دلیلی که وی در مرثیه‌های

اکابرین اهل سنت و الجماعت به‌شوخی گفته بود:

بر سرش گل باد گرز آهنین بر تنش نار جهنم نور باد

پس از مرگ جويا شعرای اهل سنت هم در پاسخ آن سروده بودند:

رافضی تاریخ جويا نیست، هفتش بود کم

چونکه گز کردند او را گشت تاریخش درست

از این ابیات فوق به‌نظر می‌آید که در آن زمان در میان اهل تشیع و اهل تسنن رقابت‌ها زیاد مطرح بود که الحمدلله حالا کم شده است. (ص ۲۶، ۲۷)

میر نورالدین شارق

از سادات ایران بود که بنا به‌قربت از قوام‌الدین خان به‌هند آمده وقتی برادرش میر رضی‌الدین دیوان کشمیر شد، نورالدین شارق هم در کشمیر آمد، ولی مدتی بعد وی به‌هندوستان برگشت و در عهد فرخ‌سیر دو مرتبه از حیث داروغه دیوانی دفتر کشمیر بازگشت. او با میرزا صائب و محمد سعید اشرف روابط صمیمانه داشت و

شاعر صاحب دیوان بوده در سال ۱۱۲۷ هجری جهان رنگ و بو را وداع گفت. از اوست:

نامه از سوز دلم کاغذ آتش زده است باشد از خون دل و دیده‌ام افشان کاغذ
قاصد آه به‌امید روان کن شارق که مگر آورد از نزد عزیزان کاغذ
(ص ۳۰)

محمد اشرف یکتا

وی کمگو مگر برجسته‌گو بوده، دیوانش شهرت دارد در دیوانش بیتی درباره کسب معاش طوری آمده است:

حسن تحریر اگر هست ترا نان دهد در همه جا دست ترا
(ص ۳۶)

محمد حیات هادی

وی می‌فروش زاده بود و از ملّا دانا در شعر و انشا استفاده می‌نمود وی ابیات برجسته سروده است او در یکی از بیت‌ها واژه «گرد» را تکرار کرده و از این واژه موزونیت و غناییت شعر را افزوده است، از اوست:

نمی‌خواهم که گردی گرد آن گلبرگ برگردد اگر گردد به‌گرد او نمی‌خواهم که برگردد
(ص ۳۹)

محمد علی خان متین

محمد علی خان پسر عصام‌الدین خان است که نایب صوبه کشمیر بود. عبدالغنی قبول و قاسم خان از استادان اوست. در احوال او این اطلاع مهمی آمده است که راجه سکه‌گیون که حاکم کشمیر و در سخندانی معروف بوده. این حاکم روزی در هفته شب شعر را برگزار می‌کرد و عموماً روز یکشنبه برای شب شعر مخصوص بوده این اطلاع مهم است که حاکمان صوبه هم شب شعر را برپا می‌کردند و دور خود شعرا را جمع می‌نمودند و پاسداری و پاسبانی علم و ادب کرده بودند.

علم دوستی حاکمان کشمیر مسلم بوده وی هفت تن از شاعران را برای تاریخ منظوم کشمیر انتخاب کرده بود که عبارتند از:

۱. متین ۲. سامی ۳. نوید ۴. راجح ۵. توفیق ۶. شایق و ۷. حسن
 راجح سُکھ جیون تاریخ کشمیر را هفت قسمت کرده و برای هر شاعر جزوی از آن
 برای نظم داده بود ولی وقتی شاعران در این کار مصروف بودند وی قول داده بود که
 برای هر بیت یک رویه انعام می‌دهد ولی این اطلاع و علت آن هم معلوم نشده که
 چطور او ازین قول منحرف شد. مگر شاعران مثل توفیق دو هزار بیت، ساقی ۲۵۰۰ بیت،
 شایق شش هزار بیت سروده بودند که در «ذکر اولیا» مذکور است. (ص ۳۹)

عبدالوہاب شایق

عبدالوہاب شایق در موضع چهنه، پرگنہ کویہامہ در مسجدی امام بوده و طبع موزون
 داشت وی شعر ساده می‌سرود ولی در استخراج تاریخ کمال داشت. شایق به‌فرمایش
 راجح سُکھ جیون در سه مجلد درباره سادات کشمیر، ریشیان کشمیر و سلطان‌العارفین و
 یارانش حدوداً شصت هزار بیت ترتیب داده بود. ولی حیف که هر سه جلد ناقص ماند
 ولی در کلام او چاشنی دیده می‌شود. از اوست:
 راستان را گر بہزر الفت نباشد بہتر است چون الف با زر شود پیوستہ نقش آذر است
 (ص ۴۰)

محمد جان بیگ سامی

پسر سعید بیگ و بیرون از دوازده سنگین سکونت داشت از عبدالرشید بینوا استفاده
 نمود و بعداً در زمرة شعرای سُکھ جیون داخل شد روزی سُکھ جیون مصرع طرح از
 حافظ شیرازی داده بود و همه شعرا را دعوت نموده بود مصرع حافظ این بود:
 ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما
 تا این موقع محمد جان بیگ سامی در دربار سُکھ جیون ملحق نشده بود ولی غزلی
 به این مقطع سروده بود:

سامی از راه حیا بیرون در افتاده است باز گردد یا درآید چیست فرمان شما
 وقتی سُکھ جیون این بیت را شنید، سامی را در حلقه خود جا داد و سامی بعد از
 آن در مدح سُکھ جیون و دیوانش بہ نام پاندیت مہانند سروده بود. پس از خرابی

سُکھ جیون، سامی پیش ابوالقاسم خان در دهلی آمد و در سال ۱۱۹۵ هجری همینجا فوت کرد. محمد جان بیگ سامی در سلسله قادریه بیعت کرده و سروده بود:
 قادری هستم و غوث الثقلین پیر من است سگ آن شاهم و این سلسله زنجیر من است
 (ص ۴۲)

محمد یحیی حیا

محمد یحیی پسر ملا امین دانا بود و در عرف عام به نام «نارو» بیشتر شهرت داشت یکی از بیت‌های معروف او این است:
 آینه خانه‌ای است چراغان ز یک چراغ عالم تمام پُر ز خدا و خدا یکی است
 (ص ۴۲)

ملا محمد توفیق

ملا محمد توفیق از قبیله «جدوها» بوده است. بنا به گفته ملا طاهر غنی هیچ کس همسری ملا توفیق را در شاعری نداشت. وی در شعر چند رساله تألیف نموده بود که عبارتند از: رساله شبی، سراپا در بحر طویل، قصائد و منقبت او مشهور است. نیز دو هزار بیت از عهد یوسف چک روزگار عالمگیر بوده بنا به فرمایش سُکھ جیون سروده و یادگار گذاشته است.

بیتی از غزل ملا محمد توفیق است:

زد پنجه‌ای به خون و حنا را بهانه ساخت انداخت جام و لغزش پا را بهانه ساخت
 ملا توفیق در یک رباعی مقام و جا را به خوبی توصیف نموده است:
 نورباغ عارضت بی نور شد از جوش خط خود صفاپور رخت ز الور شد از جوش خط
 زالپور زلف را یک تار جمعیت نماند مانچهامون لب مجبور شد از جوش خط
 در همین دو بیت چقدر محلّ و واژه کشمیری به کار برده است:

۱. نورباغ: نزد صفا کدل بر لب جهلم.
۲. صفاپور: بر کنار مانسیل.
۳. الور: در پرگنه زینه‌گیر متصل سوپور.
۴. زالپور: متصل حاجن.

۵. مانجهامون: نزد قصبه ماگام.

۶. لبت: نزد هنده‌واره (ص ۴۴، ۴۵).

محوى

محوى شاگرد ملّا اكبر رفیق بوده كه ملّا رفیق شاگرد اشرف یكنا است كه در پنجاب مدفون است. وی اكثرأ با شاگرد محمد اشرف یكنا به نام ملّا عبیدالله در معارضه درگیر بوده، حتّی برای یک دیگر هزلّیات و هجویات هم سروده‌اند. محوى در ابیات ساده و روان در یک مثنوی چای را توصیف نموده است كه بین كشمیری‌ها چای چقدر مهمّ بوده است، از اوست:

چای یا اكسیر تن یا روح ماست این	یا دماغ آشفگان را فرحتِ دل‌هاست این
چا مگو غیرت فزای باده خلدش بگو	یا رحیق سلسبیل جنت‌المأوی‌ست این
چای یا آب حیات مردگان خواب‌هاست	یا مگر سرمایه بیداری شب‌هاست این
در نمك یک پرده افزونست از هر نعمتی	جای دارد گر بگویم سیّد‌النعماست این
ذوق ذابق را فزاید كام را لذّت دهد	فی‌الحقیقت در حلاوت نعمتی یكناست این
دم زدن از مدحت چایی، خطا جای خطاست	تو كجا و وصف چا محوى نه حدّ ماست این

(ص ۵۲)

كبرى

درباره كبرى صاحب تاریخ حسن اطلاعات زیادى نداده است. البتّه این قدر مشخصّ مى‌شود كه در بین دهقانان هم شعر رواج داشته بود به‌دلیلی كه وی نوشته است: "دهباشی بود اما اشعار خوب مى‌گفت". از اوست:

نافرمان گفت با خطای ایمان ز خدا بود عطای

پس در آخر مى‌توان نتیجه‌گیری كرد كه تاریخ حسن دفتر اطلاعات مهمّ است كه در آنجا اطلاعات به‌طور ضمنی مندرج گردیده است وقتی این اطلاعات را به‌نحو احسن بررسی مى‌كنیم به این نتیجه خواهیم رسید كه این مرّعی است كه تاریخ ثقافت و فرهنگ كشمیر در آنجا جلوه مى‌دهد. نیز مجالس و محافل علمی و فرهنگی چه طور در كشمیر دایر بودند.

محمد حسن کهویهای در خاتمه جلد چهارم تاریخ حسن سال تکمیل را در بیتی این طور رقم کرده است:

پی سال اتمامش اندر نهفت خرد صورتِ حال کشمیر گفت
(۱۳۰۵ هـ)

باب چهارم تاریخ حسن که احوال شعرا، ادبا و خطاطان را دربردارد بنا به سروده حسن:

منم فارغ از صنع علم کلام فصاحت بلاغت ندانم به نام
نیز این هم مذکور است که در مشقت پنج سال این تاریخ را تکمیل نموده‌ام و در تکمیل این تاریخ بسی مصائب و آلام دچار شده‌ام، وی می‌گوید:
بسی رنج بردم در این پنج عام که پُر دُر شد این گنج‌نامه به کام
وی بیشتر عقیده دارد که این تاریخ حسن گنج‌نامه است که در ۶۲ صفحه گنج‌نیده شده است و مورد پسند علاقه‌مندان زبان و ادب قرار می‌گیرد.
تاریخ حسن در چهار جلد، در سال ۱۹۶۰ میلادی چاپ شده است و ناشر آن محکمه تحقیق و اشاعت حکومت جامو و کشمیر است.
پیر غلام حسن کهویهای مؤلف تاریخ حسن مقدمه نوشته و از حیث عرض ناشر جناب آقای پی.ان پشپ در ۸ صفحه به زبان انگلیسی نگاشته است.
متن کتاب بر نسخه ذاتی مؤلف است که او متن را با نسخه خطی دیگر در کتابخانه دانشگاه کشمیر مقایسه نموده و اختلافات متن را در پاورقی جا داده است. کار مقایسه و تصحیح از دست جناب آقای محمد امین رفیقی انجام گرفته و اعلام را هم او درست کرده است.
در جلد چهارم کتاب ۱۱۸ شاعر و احوال آنها با نمونه کلام آمده است که در عهد سلاطین چک در کشمیر آمده بودند و یا از اصل کشمیری بوده‌اند. کتاب دارای احوال شعرای ۱۵۵۵ تا ۱۵۸۵ میلادی مشتمل است.